

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده ادبیات زبانها و تاریخ

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ ایران اسلامی

عنوان

مقایسه عملکرد جریان های اسلامی و مارکسیستی در نهادهای فرهنگی ایران

(۱۳۳۲-۱۳۲۰ش)

استاد راهنما

دکتر محمد امیر شیخ نوری

استاد مشاور

دکتر سیمین فصیحی

دانشجو

سمیه محمودی

اسفند ماه ۱۳۸۸

کلیه دستاوردهای ناشی از تحقیق فوق متعلق به دانشگاه الزهراء (س) است.

## چکیده

پس از شهریور ۱۳۲۰، به سبب برقراری آزادی های نسبی در ایران ، فرصتی فراهم شد که جریان های مختلف سیاسی شکل بگیرند. در این میان، جریان مارکسیستی و جریان اسلامی از جمله جریاناتی بودند که هر یک به سهم خود، با بهره برداری از فضای سیاسی جدید در صدد گستردن دامنه فعالیت های سیاسی و اجتماعی خود برآمدند. و علی رغم فعالیت در نهادهای مختلف جامعه، نهادهای فرهنگی را در کانون توجهات خود قرار دادند. جریان مارکسیستی با هدف تعمیق و ترویج فرهنگ چپ به فعالیت در نهادهای فرهنگی پرداخت. در واکنش به این جریان و دیگر جریان های ضد دینی و غیر دینی موجود در جامعه، جریان اسلامی با هدف احیای فرهنگ اسلامی به فعالیت در نهادهای فرهنگی پرداخت . بر این اساس در این پژوهش سعی شده که عملکرد این دو جریان رو در روی هم در نهادهای فرهنگی ایران در مقطع زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش، با رویکردی تاریخی و به گونه ای تحلیلی بررسی شود.

واژگان کلیدی: جریان اسلامی، جریان مارکسیستی، مساجد، حوزه علمیه، دانشگاه، وزارت فرهنگ.

عنوان	فهرست مطالب	صفحه
مقدمه .....		
فصل ۱- کلیات پژوهش .....		
مسأله پژوهش .....		۱
سوالات .....		۲
فرضیات .....		۲
مفاهیم و واژگان پژوهش .....		۳
معرفی و نقد پیشینه پژوهش .....		۷
معرفی و نقد منابع پژوهش .....		۱۲
اهداف پژوهش و ضرورت آن .....		۲۲
روش پژوهش .....		۲۳
<b>فصل ۲ - زمینه های پیدایش و رشد جریانهای اسلامی و مارکسیستی و گونه شناسی آنها</b>		
الف- زمینه های پیدایش و رشد جریانهای اسلامی و مارکسیستی .....		۲۴
ب- گونه شناسی جریانهای اسلامی و مارکسیستی .....		۳۰
۱- گونه شناسی جریان مارکسیستی .....		30
۱-۱- حزب توده .....		۳۱
۲- ۱. فرقه دموکرات آذربایجان .....		۳۷
۳- ۱. حزب دموکرات کردستان .....		۳۹
۴- ۱. گروه خلیل ملکی .....		۴۲

۲- گونه‌شناسی جریان اسلامی ..... ۴۵

۲-۱. انجمن اسلامی دانشجویان ..... ۴۶

۲-۲. هیئت اتحادیه دینی ..... ۴۶

۲-۳. انجمن تبلیغات اسلامی ..... ۴۷

۲-۴. جمعیت پیروان قرآن ..... ۴۸

۲-۵. جامعه تعلیمات اسلامی ..... ۴۸

۲-۶. فدائیان اسلام ..... ۴۹

۲-۷. نهضت خدا پرستان سوسیالیست ..... ۵۰

### فصل ۳- اهداف سیاسی - فرهنگی جریانهای مارکسیستی و اسلامی

الف - اهداف سیاسی - فرهنگی جریان مارکسیستی ..... ۵۱

۱- اهداف حزب توده ..... ۵۱

۲- اهداف فرقه دموکرات آذربایجان ..... ۵۵

۳- اهداف حزب دموکرات کردستان ..... ۵۷

۴- اهداف گروه خلیل ملکی ..... ۵۸

ب - اهداف سیاسی - فرهنگی جریان اسلامی ..... ۶۰

۱- اهداف انجمن اسلامی دانشجویان ..... ۶۰

۲- اهداف هیئت اتحادیه دینی ..... ۶۰

۳- اهداف انجمن تبلیغات اسلامی ..... ۶۱

۴- اهداف جمعیت پیروان قرآن ..... ۶۲

۵- اهداف جامعه تعلیمات اسلامی ..... ۶۲

۶- اهداف فدائیان اسلام ..... ۶۳

۷- اهداف نهضت خدایپرستان سوسیالیست ..... ۶۴

فصل ۴- عملکرد فرهنگی و سیاسی جریانهای مارکسیستی و اسلامی در نهادهای فرهنگی وابسته به آنها

الف- عملکرد جریانهای مارکسیستی در نهاد فرهنگی وابسته به آنها ..... ۶۵

۱- حزب توده و انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی ..... ۶۷

۲- حزب دموکرات آذربایجان و انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی ..... ۷۰

۳- حزب دموکرات کردستان و انجمن روابط فرهنگی کردستان و شوروی ..... ۷۳

ب- عملکرد فرهنگی و سیاسی جریانهای اسلامی در نهادهای فرهنگی وابسته به آنها ..... ۷۴

۱- جریانهای اسلامی و حوزههای علمیه ..... ۷۴

۲- جریانهای اسلامی و مساجد ..... ۸۶

فصل ۵- عملکرد فرهنگی و سیاسی جریانهای مارکسیستی و اسلامی در دانشگاه

الف- جریان مارکسیستی و دانشگاه ..... ۱۰۳

۱- حزب توده و دانشگاه ..... ۱۰۳

۱-۱- ایجاد اتحادیه های دانشجویی ..... ۱۰۴

۱-۲- سازمان دانشجویان دانشگاه تهران ..... ۱۱۰

۱-۳- سیاسی نمودن فضای عمومی دانشگاه ..... ۱۱۵

۲- فرقه دموکرات آذربایجان و دانشگاه ..... ۱۲۸

۳- گروه خلیل ملکی و دانشگاه ..... ۱۳۲

ب- جریان اسلامی و دانشگاه ..... ۱۳۷

۱- انجمن اسلامی دانشجویان ..... ۱۳۷

۱۴۲.....	۲-۱-۱	نجمن معارف اسلامی دانشجویان
۱۴۴.....	۳-۱	نهضت خدابپرستان سوسیالیست
۱۴۹.....	۴-۱	آیت الله طالقانی
	۶-۱	فصل عملکرد فرهنگی و سیاسی جریانهای مارکسیستی و اسلامی در وزارت معارف (وزارت فرهنگ)
۱۵۰.....	الف-۱	عملکرد فرهنگی و سیاسی جریانهای مارکسیستی در وزارت معارف (وزارت فرهنگ)
۱۵۰.....	۱-۱	حزب توده و وزارت معارف (وزارت فرهنگ)
۱۵۶.....	۱-۱-۱	سیاسی نمودن فضای عمومی مدارس
۱۶۴.....	۲-۱	فرقه دموکرات آذربایجان و وزارت معارف (وزارت فرهنگ)
۱۶۸.....	۳-۱	حزب دموکرات کردستان و وزارت معارف (وزارت فرهنگ)
۱۶۹.....	۴-۱	گروه خلیل ملکی و وزارت معارف (وزارت فرهنگ)
۱۷۳.....	ب-۱	جریان های اسلامی و وزارت معارف (وزارت فرهنگ)
۱۷۳.....	۱-۱	گنجانندن تعلیمات اسلامی در برنامه های آموزشی مدارس
۱۷۹.....	۲-۱	ایجاد مدارس اسلامی
۱۸۰.....	۱-۱-۱	جامعه تعلیمات اسلامی
۱۸۳.....	۱-۱-۱	برنامه های آموزشی و روش تعلیم
۱۸۷.....	۲-۱	دبستان نو
۱۸۸.....	۳-۱	آموزشگاه تعلیمات دینی
۱۸۸.....	۴-۱	فعالیت های پراکنده جهت تأسیس مدرسه
۱۸۹.....	۳-۱	عملکرد معلمان مذهبی و دیگر فعالان مذهبی در مدارس
۱۹۵.....		نتیجه



فهرست منابع و مأخذ ..... ۱۹۸

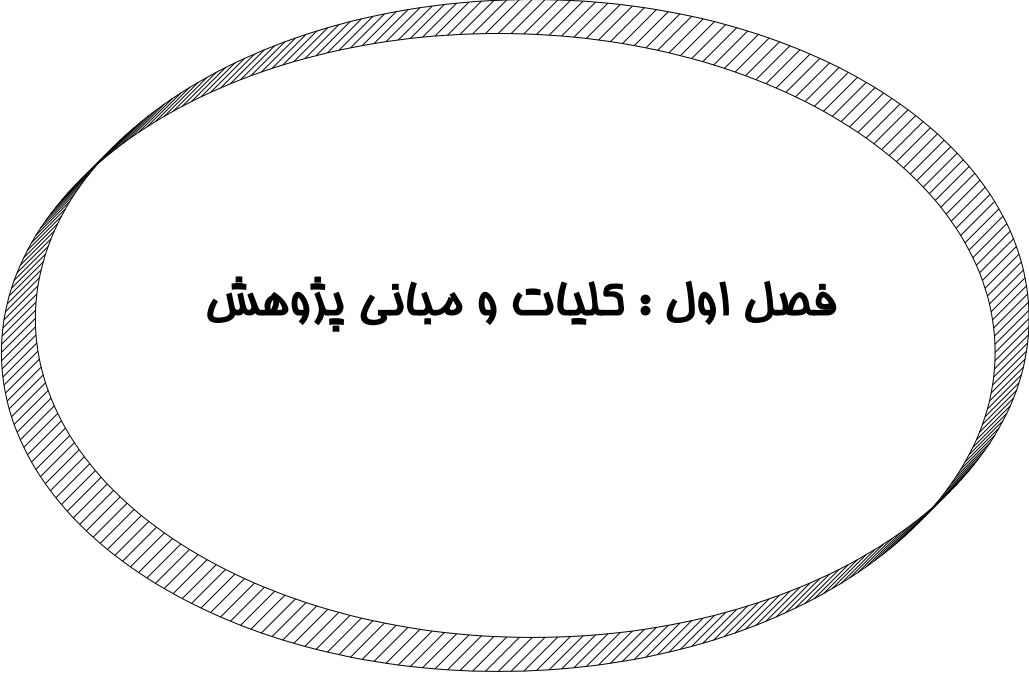
ضمائم

چکیده انگلیسی

سال‌های پس از اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰ش تا کودتای ۲۸ مرداد، از مهمترین بخش‌های تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. طی آن سالها ملت ما حوادث و تحولات متعدد و سرنوشت‌سازی را شاهد بود یکی از این تحولات در دوران مورد بحث، ایجاد نوعی فضای باز سیاسی است که می‌توان آن را وجه ممیزه این دوره با دوره قبل و بعد از آن محسوب نمود. در طول این دوره جامعه شاهد و ناظر فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی چند دسته از جریان‌های سیاسی - فکری وابسته به نحله‌های مختلف بود. که از این میان جریان‌های اسلامی و مارکسیستی با مواضع و گرایشات متفاوت از هم، به تناسب اوضاع و احوال و طرح مسائل جدید، در شکل‌های مختلفی ظاهر شدند. در واقع هر کدام به تناسب علایق فکری و سیاسی خود، چندین نوع زایش تشکیلاتی و غیر تشکیلاتی داشتند که با نام‌های متفاوت و در قالب‌های مختلف تعریف و تشکیل شدند. جریان‌های اسلامی و مارکسیستی در آغاز فعالیت خود از میان نهادهای موجود در جامعه، نهادهای فرهنگی را بستر مناسبی برای پیاده نمودن مقاصدشان در نظر گرفتند. جریان مارکسیستی با هدف ترویج و تعمیق فرهنگ چپ، به فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی در نهادهای فرهنگی متوسل شد. در واکنش به این جریان و دیگر جریان‌های غیردینی و ضد دینی موجود در جامعه، جریان اسلامی در جهت احیا و دفاع از فرهنگ اسلامی به فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی در نهادهای فرهنگی پرداخت. با توجه به اهمیت موضوع فقدان یک پژوهش جامع درباره عملکرد جریان‌های اسلامی و مارکسیستی در نهادهای فرهنگی ایران، نیاز به یک پژوهش جامع را ضروری ساخت. بر این اساس در این پژوهش سعی شده است که عملکرد هر یک از این دو جریان در نهادهای فرهنگی ایران با رویکردی تاریخی بررسی شود. این پژوهش در شش فصل طراحی شده است. فصل نخست به مبانی پژوهش می‌پردازد. فصل دوم این نوشتار به زمینه‌های پیدایش و رشد جریان‌های مارکسیستی و

اسلامی و گونه شناسی آنها اختصاص داده شده است. فصل سوم به اهداف فرهنگی و سیاسی جریان های مارکسیستی و اسلامی در قالب احزاب و تشکل های مختلف اشاره دارد. فصل چهارم عملکرد فرهنگی - سیاسی جریان مارکسیستی و اسلامی را در نهادهای وابسته به آنها بررسی می کند. فصل پنجم عملکرد فرهنگی و سیاسی جریان های مارکسیستی و اسلامی را در دانشگاه های ایران مورد بررسی قرار می دهد. فصل ششم به عنوان فصل آخر به عملکرد فرهنگی و سیاسی جریان های مارکسیستی و اسلامی در وزارت معارف (وزارت فرهنگ) اختصاص یافته است. نگارنده اگرچه کوشش نمود، نقایص و نارسایی ها را در این پژوهش به حداقل میزان برساند، اما مشکلاتی چند در این راه مانع شدند. اولین و اساسی ترین مشکل این پژوهش، تازگی موضوع و گستردگی آن بود. به گونه ای که برای دست یابی و جمع آوری مطالب و منابع پراکنده آن با مشکلات متعددی رو به روشدم. کافی نبودن اسناد و مدارک ارائه شده در مراکز اسنادی در رابطه با موضوع پژوهش از جمله مشکلات اساسی در روند تحقیق محسوب می شد. اگرچه اسناد ارائه شده در خصوص حزب توده تا اندازه ای کافی به نظر می رسید اما در خصوص سایر احزاب مارکسیستی و بخصوص جریان اسلامی کمبود اسناد و مدارک به شدت احساس می شد. دست یابی به نشریات جریان های اسلامی و مارکسیستی طی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش مشکل دیگر این پژوهش بود. صرف نظر از اینکه برخی از نشریات مورد نیاز در مرحله های مختلفی موجود بودند، مشکل اصلی عدم دست یابی به شماره های متعدد نشریات مورد نظر بود. که دلیل این امر از سوی مسؤولان بخش نشریات، فرسودگی نشریات عنوان می شد. از آنجا که پرونده تاریخ معاصر ایران مفتوح است به طوری که با کوشش مراکز آرشیو و اسناد و محققین و پژوهشگران هر روز سند و برگ تازه ای به پرونده قطور تاریخ معاصر افزوده می گردد، نگارنده مدعی نیست که عملکرد جریان های اسلامی و مارکسیستی در نهادهای فرهنگی ایران را در طی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش به طور کامل بررسی نموده به امید آنکه در آینده

شاهد پژوهشی کامل و جامع در رابطه با این موضوع باشیم. در پایان پس از شکر نعمات بی حد و حصر حضرت سبحان ، برخورد لازم و واجب می دانم که به مصداق *مَنْ كَمَّ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ كَمَّ* *يشكر الخالق* از زحمات استادان گرانقدرم در طول تحصیل، بویژه استاد راهنمای محترم جناب آقای دکتر محمد امیر شیخ نوری که با صبر و متانت، دلسوزانه راهنمایی ام نمودند تشکر و قدردانی کنم و از استاد مشاور محترم سرکار خانم دکتر سیمین فصیحی که با حوصله فراوان با نکته سنجیهای خود اینجانب را راهنمون شدند بسیار سپاسگزارم. و از کتابداران و مسئولان بخش اسناد و نشریات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، سازمان اسناد کتابخانه ملی و دانشگاه تهران ممنون و سپاسگزارم. و برای همگان از بارگاه ربوی حضرت حق، توفیق و به روزی را خواهانم.



**فصل اول : کلیات و مبانی پژوهش**

## ۱-۱ مسأله پژوهش

حکومت محمدرضا پهلوی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش، دارای ویژگی‌ها و خصوصیات است که آن را از ادوار پس از آن متمایز می‌کند. از ویژگی‌های دوران دوازده ساله فوق به وجود آمدن فضای نسبتاً آزاد جدیدی بود که گروهها و احزاب زیادی از درون مردم یا با حمایت دولت‌های بیگانه شکل گرفتند در این میان جریان مارکسیستی امکانات و نفوذ فوق العاده‌ای یافت این جریان با داشتن بیش از دودهمه تجربه در ایران، با سقوط رضاشاه در شهریور ماه ۱۳۲۰، سومین مرحله از دوران فعالیت خود را آغاز نمود. منادیان این جریان با طرح آرمانهای کارگری، نجات زحمتکشان، ناسیونالیسم، تحقق سوسیالیسم و مباحثی از این قبیل جاذبه زیادی را ایجاد نمودند و از طریق کلوبهای دانشجویی، تشکیل میتینگهای مختلف در کلاسهای درس و تالارها و سالن دانشکده‌ها، برگزاری جمع‌های ادبی در سطح مدارس و دانشگاه‌ها در تهران و شهرستان‌ها و دانش‌آموزان زیادی را مجذوب آرمان‌های مردمی و خلقی خود کردند و با ماهیت ضد دینی‌شان که از آموزه‌های ایدئولوژیکی‌شان محسوب می‌شد به تبیین و تدوین ایدئولوژی و تربیت کادرهای مورد نظر خود در نهادهای فرهنگی پرداختند. در واکنش به این جریان و دیگر جریان‌های ضد دینی و غیر دینی موجود در جامعه در سالهای اولیه دهه ۱۳۲۰، جریان اسلامی در صدد دفاع از فرهنگ اسلامی و حل مشکلات سیاسی و اجتماعی جامعه در قالب تفکر اسلامی برآمد. جریان اسلامی که طی دو دهه به اجبار منزوی شده بود، با فعالیت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از وضعیت خمودی ناشی از فشار دولت رضاشاه بیرون آمد و در جهت ترویج دینداری و مبارزه با بی‌دینی شروع به فعالیت نمود. این جریان، در جهت دفاع و احیای فرهنگ اسلامی در نهادهای فرهنگی به تکاپوهای مختلفی دست زد و در تقابل جدی با اندیشه‌ها و جهان بینی‌های غیر دینی

ویا ضد دینی به تولید فرآورده‌های فرهنگی دینی و نوآوری در اندیشه دینی پرداخت و بستری از تفکرات و اندیشه‌ها و آرای جدید دینی را به وجود آورد. با توجه به نکات ذکر شده مقایسه عملکرد جریانهای اسلامی و مارکسیستی به عنوان دو جریان تأثیرگذار در نهادهای فرهنگی طی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش لازم و ضروری به نظر می‌رسد. براین اساس در این پژوهش سعی شده ساز و کارها و چگونگی عملکرد و نفوذ این دو جریان رو در روی هم با رویکردی تاریخی بررسی شود.

## ۲-۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱- جریان اسلامی در پیشبرد فعالیت خود در نهادهای فرهنگی از چه ساز و کارهایی بهره گرفت؟
- ۲- جریان مارکسیستی در پیشبرد فعالیت خود در نهادهای فرهنگی از چه ساز و کارهایی بهره گرفت؟

## ۳-۱. فرضیات پژوهش

- ۱- مبارزه و مخالفت با خرافات، ایجاد تشکل‌های فرهنگی و سیاسی متناسب با شرایط جدید جامعه، پاسخگویی به شبهات، تقابل با دگراندیشی، تثبیت دروس دینی در مدارس دولتی، تأسیس مدارس اسلامی از جمله ساز و کارهایی بودند که این جریان از آنها بهره گرفت.
- ۲- ایجاد تشکل‌های حزبی در نهادهای فرهنگی، تدوین برنامه‌های ایدئولوژیک منظم، تشکیک در ناتوانی مذهب در مقابله با تحولات جدید، برگزاری میتینگها، استفاده چشمگیر از فنون تبلیغات، از جمله ساز و کارهایی بودند که جریان مارکسیستی در پیشبرد فعالیت خود از آنها بهره گرفت.

#### ۴-۱. مفاهیم و واژگان پژوهش

**جریان:** جریان از نظر لغوی به معنای روان شدن (در صورت مصدری)، وقوع یافتن امری، روانی (به صورت اسم مصدری) و در امور بانکی، دست به دست شدن پول و گردش پول است.<sup>۱</sup> با توجه به موضوع پژوهش موارد فوق نمی تواند مدنظر باشد لذا واژه جریان در ترکیب با کلمات دیگر مورد توجه قرار خواهد گرفت.

**جریان اسلامی:** جریانی است که از نظر ایدئولوژیک ریشه در تشیع دارد. به لحاظ تاریخی، رهبری جریان اسلامی نخست بر عهده ائمه اطهار (علیهم السلام) و سپس، یعنی در عصر غیبت بر عهده فقهای عادل است. اعتقاد عمیق به اصول اساسی و بنیادی دین (توحید یا خدا محوری، نبوت، معاد، امامت و عدالت) مهدویت، پیوند وحدت دین و سیاست، اسلام فقهاتی، پیوند اسلام با روحانیت، استبدادستیزی و دفاع از هویت و تمامیت ارضی مهم ترین مبانی و شاخصه های تشکیل دهنده جریان اسلامی به شمار می آیند. این جریان که همیشگی تفکر سیاسی در ایران بوده است، در شرایط مختلف تجلیات گوناگونی داشته و هدفش حفظ، ترویج و حاکمیت اسلام در ایران است.<sup>۲</sup> بر این اساس در این پژوهش جریان اسلامی در قالب چنین تعریفی به کار رفته است.

**جریان مارکسیستی:** منظور از جریان مارکسیستی، همانا احزاب و تشکل هایی است که مرام و فلسفه الحادی مارکسیسم را سرلوحه خود قرار داده بودند.<sup>۳</sup> مارکسیسم یکی از ایدئولوژی های غرب

---

<sup>۱</sup>. حسن، انوری (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن، تهران: نشر سخن، ۷۳۵. ج ۱.

<sup>۲</sup>. علی، دارابی (۱۳۸۸). جریان شناسی سیاسی در ایران، تهران: انتشارات پژوهشگاه و فرهنگ اندیشه اسلامی،

<sup>۳</sup>. همان، ص ۸۵.



مدرن است که بر پایه آمیزه «ماتریالیسم دیالکتیک» یا «ماده گرایی جدلی» با «سوسیالیسم رادیکال» بنا شده است. «کارل مارکس» و «فردریش انگلس» دو تئورسین آلمانی بودند که مارکسیسم را پدید آوردند. مارکسیسم بر پایه اعتقاد به نظریه پیشرفت به ارائه یک تئوری در خصوص چگونگی تحول زندگی اجتماعی- تاریخی جوامع بشری وقوانین حاکم بر آن می پردازد. مارکسیسم به عنوان یک ایدئولوژی در قلمرو اقتصاد به برقراری اقتصاد سوسیالیستی و الغاء مالکیت خصوصی معتقد است و در حوزه سیاسی قائل به حاکمیت «دیکتاتوری پرولتاریا» تحت رهبری حزب کمونیست ایدئولوژی بشر انگارانه و الحادی است که معتقد به حاکمیت قوانین برخاسته از عقل نفسانیت مدار بشر مدرن است؛ منتها مارکسیسم به اصالت اراده<sup>۱</sup> معطوف به قدرت جمعی معتقد است در حالی که لیبرالیسم به اصالت حاکمیت اراده<sup>۱</sup> نفس بشر باور دارد ایدئولوژی مارکسیستی پس از مرگ مارکس، تغییرات زیادی را تجربه کرد و زیر شاخه هایی مثل مارکسیسم لنینیسم، مارکسیسم مائوئیسم، مارکسیسم نو و مارکسیسم تجدیدنظر طلب در آن پدید آمد. مارکسیسم - لنینیسم به دلیل دست داشتن قدرت سیاسی در شوروی و اروپای شرقی برای دهه ها به عنوان تفسیر غالب و اصلی مارکسیسم مطرح می شد.<sup>۱</sup> و نقش مهمی را در تاریخ ایران ایفا نمود. در این پژوهش احزاب و تشکل هایی که معتقد به اصول مارکسیسم، بخصوص مارکسیسم-لنینیسم بوده اند به عنوان جریان مارکسیستی در نظر گرفته شده اند.

**نهاد:** از ریشه Institvere که در لاتین معنای «مستقر کردن»، «ساختن»، «تثبیت کردن»، از آن بر می آید، گرفته شده است. و در فارسی معادلهایی چون: مؤسسه، تأسیس نیز یافته است. اما

---

<sup>۱</sup>. شهریار، زرشناس (۱۳۸۳). واژه نامه فرهنگی - سیاسی، تهران: انتشارات صبح، ۲۱۸ - ۲۲.

مفهوم نهاد در برگردان آن پذیرفته شد.<sup>۱</sup> در زبان فرانسه، به معنای تشکیلات یا شکلی از ساختمان اجتماعی است که اغلب دارای جنبه‌ای حقوقی یا شبه حقوقی است. کارکردی اجتماعی به عهده دارد و طول عمرش جدا از خواست و ارادهٔ اعضای آن است نظیر: نهادهای سیاسی، اقتصادی، خانوادگی و دینی. لیکن اصطلاح نهاد در زبان فرانسه، دارای معنای کلی و مبهم نیز هست و معانی خاص و نسبتاً متنوعی بدان می‌پیوندند. حقوق دانان و جامعه‌شناسان نیز هر یک این واژه را در معنایی خاص به کار می‌برند. نظیر: معنایی که دورکیم<sup>۲</sup>، هوریون<sup>۳</sup> از آن مستفاد می‌دارند. در اصطلاح جامعه‌شناسان آمریکایی، یک نهاد به معنای شکل رایجی از کردارهای همگن و هماهنگ است که در جهت اعمال کنترل اجتماعی و هم‌ارضای نیازهای اساسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. لینتن<sup>۴</sup>، آن را هیئتی از مدل‌های فرهنگی می‌داند که به عنوان یک «کل» کارکردهای خاصی را به عهده می‌گیرد. پارسنز<sup>۵</sup> نهاد را مجموعه‌ای از نقش‌های (یا روابط بین پایگاه‌ها) نهادی شده می‌داند که حایز معنایی ساختی و اهدافی درازمدت‌اند. چنین به نظر می‌رسد که به منظور حراست از جنبهٔ عینی مفهوم نهاد، باید آن را همچون ساختی جزئی از یک جامعه، جدا از گروه و با کارکرد خاصی در حیات اجتماعی دید. نهاد دارای هنجارهایی است اجباری برای جمع. جامعه نیز در سطح کلی این هنجارها را به رسمیت می‌شناسد و به اعضای خود تحمیل می‌کند. نهاد از اهدافی روشن در خلال نسلها پیروی می‌کند و همین امر موجب می‌شود که تمامی اعضای جامعه آن را بپذیرند و به رسمیت شناسند. هنجارها، اهداف مورد نظر و ارزشهای معمول نظامی را تشکیل می‌دهند که

---

<sup>۱</sup> . باقر، ساروخانی (۱۳۷۰). دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، ۳۶۱.

<sup>۲</sup> Durkheim.

<sup>۳</sup> Haurion.

<sup>۴</sup> Linton.

<sup>۵</sup> Parsons

می تواند تطور پذیرد. لیکن همواره دارای وحدت و هماهنگی است.<sup>۱</sup> پنج دستگاه عمده از نهاد به طور قراردادی عبارتند از : ۱- نهادهای اقتصادی ۲- نهادهای سیاسی ۳- نهادهای مرتبه بندی ۴- نهادهای خویشاوندی ۵- نهادهای فرهنگی.<sup>۲</sup>

از آنجا که موضوع پژوهش بر نهادهای فرهنگی استوار است، لذا از میان نهادهای مختلف به نهادهای فرهنگی و انواع آن اشاره خواهد شد .

**نهادهای فرهنگی :** از جمله نهادهای اصلی و اساسی محسوب می شود. هنر که مبین افکار و عقاید و ارزش ها است، سازمان های علمی، مذهبی، فلسفی و تربیتی جزء این مجموعه به شمار می آیند. کارکرد عمده این مجموعه فراهم نمودن شرایطی است که خلاقیت فرهنگی و حفظ میراث های فرهنگی را تسهیل می کند.<sup>۳</sup> در این پژوهش، وزارت معارف (وزارت فرهنگ)، دانشگاه ، مساجد ، حوزه علمیه و انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی بر اساس تعریفی که از نهادهای فرهنگی ارائه شده به عنوان نهادهای فرهنگی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ در نظر گرفته شده اند.

## ۵- ۱. معرفی و نقد پیشینه ی پژوهش

درباره ی موضوع پژوهش تاکنون تحقیق جامع و کاملی صورت نگرفته است . دلیل این مدعا اینکه در کتب و مقالات، نقش جریان مارکسیستی در تحولات سیاسی بسیار پررنگ دیده می شود

---

<sup>۱</sup> . آلن ، بیرو (۱۳۷۶) . فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی ، تهران : انتشارات کیهان ، ۱۸۰-۱۸۱ .

<sup>۲</sup> . حشمت الله ، طیبی (۱۳۸۰) . جامعه شناسی و مردم شناسی ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران . ۶۵- ۶۶ .

<sup>۳</sup> . همان، ص ۶۶ .

اما به نفوذ آن‌ها ( شیوه‌ها و روش‌های آن ) توجهی نشده است . پژوهشگران چپ چندان عنایتی به فعالیت‌های این جریان در نهادهای فرهنگی نکرده‌اند و در تحلیل‌ها بیشتر به مباحث مادی و تضاد طبقاتی پرداخته‌اند. در خصوص جریان اسلامی نیز در تحقیقات صورت گرفته از سوی پژوهشگران چندان عنایتی به عملکرد این جریان در نهادهای فرهنگی نشده و صرفاً در خصوص فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی این جریان در تحقیقات خود کلی‌گویی نموده‌اند. بر این اساس به شماری از پژوهش‌هایی که هرچند مختصر به عملکرد این دو جریان در نهادهای فرهنگی پرداخته‌اند اشاره می‌شود:

### **جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲ش، نویسنده:رسول جعفریان**

نویسنده در این کتاب تلاش می‌کند که بر اساس داده‌های تاریخی زمینه توسعه فعالیت‌های مذهبی و غلبه آن‌ها را بر حرکت‌های سکولار اعم از ملی یا مارکسیستی نشان دهد . با توجه به عنوان کتاب و محدوده‌ی زمانی گسترده آن، دامنه توصیف و تحلیل نقش جریان‌های مذهبی در حوزه فرهنگ و سیاست به طور کلی پرداخته شده و در این کلی‌گویی، نقش این جریان‌ها در عرصه سیاسی بسیار پررنگ‌تر دیده می‌شود. اگرچه نویسنده به برخی از اقدامات فرهنگی جریان اسلامی اشاره نموده، اما تصویر مشخصی از چگونگی عملکرد این جریان در نهادهای فرهنگی ارائه نمی‌کند. این کتاب که حاوی اطلاعات بسیار گسترده‌ای است ؛ اطلاعات آن به شیوه‌ای منظم کنار هم قرار نگرفته است . چنین نامنظم مباحث از طرفی باعث تکراری شدن بسیاری از مطالب شده و از طرفی دیگر موجب شده تا برخی از مطالب نیز در جای خود قرار نگیرد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. رسول، جعفریان. (۱۳۸۶). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، قم نشر مورخ.